

تکامل و پیشرفت از اساسی‌ترین دغدغه‌های جوامع بشر شمرده می‌شود؛ از این رو، در طول تاریخ ذهن انسان‌ها را به خود مشغول ساخته است. توسعه یافتن برای بسیاری از جوامع هدفی آرمانی است. در نظریه اقتصاددانان کلاسیک، به انسان فقط در جایگاه یکی از نهاده‌ها، در چرخه تولید کالا و خدمات توجه می‌شود. و اقتصاددانان مدت‌ها بر این باور بودند که عناصر تشکیل دهنده ثروت برای یک کشور فقط سرمایه‌های فیزیکی است و متغیرهای دیگری، همچون کیفیت سرمایه انسانی و سلامت نیروی کار نادیده گرفته می‌شد؛ اما در چند دهه اخیر، مطالعه درباره منابع انسانی و راهکارهای ارزیابی آن اهمیتی ویژه یافته و انسان در کانون توسعه قرار گرفته است. بر این اساس هر الگویی از توسعه که به تأمین نیازهای اصیل انسانی نپردازد و به حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های او بی‌اعتنا باشد، مردود است و کارایی لازم را نخواهد داشت.

شاخص توسعه انسانی (HDI: The Human Development Index) از سال ۱۹۹۰ وارد ادبیات اقتصاد متعارف گردیده، با سه متغیر میزان درآمد سرانه واقعی، نرخ باسوادی و امید به زندگی در بدو تولد سنجیده می‌شود. توجه به متغیرهای سنجش توسعه انسانی ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که طراحان شاخص مزبور، نگرشی محدود درباره انسان داشته‌اند؛ از این رو، توسعه انسانی غربی بر رفاه مادی انسان‌ها استوار گردیده و از بعد روحی و معنوی انسان غفلت شده است.

هدف این پژوهش تبیین مبانی و معیارهای پیشرفت انسانی از نظر اسلام است که استنباط این معیارها با توجه به مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی و انسان‌شناختی اسلامی بوده، با مراجعه به قرآن و منابع روایی و در نظر گرفتن ابعاد دنیایی و آخرتی، فردی و اجتماعی و مادی و معنوی صورت می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

با وجود تحقیقاتی که در چند دهه اخیر درباره توسعه از دیدگاه اسلام صورت گرفته است، درباره تدوین معیارهای آن چندان بحث نشده است. این خلأ در زمینه تدوین شاخص‌های توسعه انسانی با نگرش اسلامی نیز وجود دارد. در ادامه، به چند مورد از مطالعات انجام گرفته در این زمینه اشاره می‌شود:

۱. نصرالله خلیلی (۱۳۸۰) ضمن بیان مبانی توسعه انسانی اسلامی، ایمان و عمل صالح را معیارهای آن می‌داند. او می‌گوید: «ایمان و عمل صالح را با توجه به میزان عمل به فروع دین می‌توان اندازه‌گیری کرد»؛

مبانی و معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام*

mg_khalil41@yahoo.com

محمد جمال خلیلیان / دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

سیدحمید جوشقانی نائینی / دانش‌پژوه دکتری اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

قاسم عسکری / دانش‌پژوه دکتری اقتصاد دانشگاه عدالت تهران

محمد پیلار / دانش‌پژوه دکتری اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۶ - پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۱

چکیده

ارائه شاخص پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام را می‌توان یکی از مباحث مهم در ترسیم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دانست. دستیابی به این هدف مستلزم توجه به معیارها و مبانی پیشرفت انسانی اسلامی است. شاخص توسعه انسانی متعارف با نگرشی خاص و محدود به انسان، تمامی اهداف شاخص را متوجه رفاه مادی کرده و جنبه روحی و معنوی انسان به عنوان اساسی‌ترین بعد وجودی وی را، مورد غفلت قرار داده است. مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیلی-استنباطی در صدد استخراج معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام از قرآن و روایات و تبیین مبانی حاکم بر آن است. یافته‌های مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته نشان می‌دهد که دینداری، علم و معرفت، آزادی و کرامت و تأمین معیشت، ۴ معیار در شاخص پیشرفت انسانی مورد نظر اسلام می‌باشند. بر این اساس، شاخص پیشرفت انسانی علاوه بر در نظر گرفتن معیارهای شاخص توسعه انسانی متعارف از جمله علم، سلامت و رفاه نسبی، مقوله‌های دیگری چون دینداری، معرفت، و کرامت و آزادی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. معیارهای معرفی شده برای پیشرفت انسانی مبتنی بر مبانی فکری اسلام از جمله نگاه متعالی اسلام به انسان و تکامل قرار دارد. ارائه این معیارها می‌تواند باعث معرفی شاخص‌های متمایز برای پیشرفت انسانی شود که به برخی از آن‌ها در مقاله اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: معیار، شاخص، توسعه انسانی، پیشرفت انسانی

طبقه‌بندی JEL: O15, P4

مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است و باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق می‌یابد (تودارو، ۱۳۷۷، ص ۲۳).

اصطلاح توسعه، در کاربردهای بین‌المللی بار معنایی و ارزشی خاص دارد، به گونه‌ای که در فهم عموم، توسعه‌یافتگی با غربی شدن همسان تلقی می‌شود، بنابراین واژه «پیشرفت» را برای این منظور برمی‌گزینیم. پیشرفت علاوه بر اینکه بار معنایی منفی ندارد، می‌توان ابعاد دلخواه توسعه اسلامی را نیز در آن لحاظ کرد.

ب. توسعه انسانی

در ادبیات توسعه با دو اصطلاح «توسعه انسانی» و «توسعه منابع یا نیروی انسانی» روبه‌رو هستیم. این دو اصطلاح با هم متفاوت‌اند و نباید در یک معنا به‌کار گرفته شوند.

بر اساس تعریف برنامه توسعه سازمان ملل، توسعه انسانی فرایند گسترش گزینه‌های انتخابی مردم است. اساسی‌ترین این امکانات در نگرش توسعه غربی داشتن زندگی طولانی و توأم با سلامتی و بهره‌مندی از دانش و سطح زندگی مناسب است. در مقابل، توسعه منابع انسانی به مجموعه فعالیت‌ها و اقداماتی همچون جذب، تأمین، نگهداشت، آموزش و پرورش، افزایش دانش و کارایی و ایجاد انگیزه که سرانجام به توسعه نیروی انسانی می‌انجامد، گفته می‌شود (UNDP- 1990-p15).

بنابراین، توسعه انسانی به حوزه قدرت‌گزینش و گستره انتخاب انسان توجه دارد، ولی توسعه منابع انسانی به قدرت خلاقیت، ابتکار، افزایش بهره‌وری در سایه دانش‌افزایی و کسب مهارت در حوزه کاری می‌انداشد. در واقع، توسعه نیروی انسانی به صورت فرایند اجتماعی، زمینه‌ساز تحقق توسعه انسانی است (آقانظری، ۱۳۸۶، ص ۵۷).

ج. معیار

معیار به معنای اندازه، پیمان، ترازو و سنگ محک (معین، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۴۲۶؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴۵، ص ۷۷۱) است. گاه واژه معیار مترادف با ملاک و در امور غیر حسی به‌کار می‌رود که به معنای ضابطه وجودی تحقق آن امر یا حکم است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ۱۷۴). در این

۲. محمدجمال خلیلیان (۱۳۹۰ و ۱۳۸۶)، وارد بحث معیارها نشده است، اما ضمن طرح ایده شاخص‌های توسعه انسان‌محور، میزان توسعه‌یافتگی نیروی انسانی، تناسب سطح مصرف و رفاه جامعه با معیشت عموم مردم، پایبندی افراد جامعه به حفظ منافع ملی، تعهد و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه، و موفقیت در رفع فقر و تأمین نیازهای اساسی را از شاخص‌های اصلی سنجش توسعه اقتصادی یک کشور می‌داند؛

۳. همایون. ا. در و سعیده، ف. آنتیتی (۲۰۰۲) با پیشنهاد شاخص توسعه انسانی اخلاقی، مقوله‌های ارزشی و دینی را در قالب‌های توانمندی جنسیتی، تخریب زیست‌محیطی، آزادی‌های مدنی و سیاسی، ارزش‌های خانوادگی، و نفوذ مذهبی، به شاخص توسعه انسانی اضافه می‌کنند. آنان به‌رغم پیشنهاد دو شاخص نرخ طلاق و میانگین سن ازدواج اول، میزان باروری را شاخصی برای سنجش ارزش‌های خانوادگی می‌دانند و میزان نفوذ مذهبی در جامعه را نیز با شاخص دین می‌سنجند؛

۴. محمدجواد توکلی (۱۳۹۰) در مقاله «روش‌شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی براساس گفتمان قرآنی» معتقد است که نماگرها و شاخص توسعه، نقشی اساسی در ارزیابی و بهبود میزان پیشرفت کشورها ایفا می‌کنند. تدوین شاخص یک‌پارچه توسعه و پیشرفت، مستلزم پیمودن چهار مرحله مفهوم‌سازی، استخراج معیارها، طراحی نماگرها و یک‌پارچه‌سازی آنهاست. ایشان، توسعه جوامع انسانی را به مفهوم تعالی افراد آن برای دستیابی به زندگی سالم در سرزمین پاک و آباد می‌داند و توانمندی اخلاقی، توانمندی فکری، توانمندی جسمی - روانی، و توانمندی درآمدی را به مثابه معیارهای چهارگانه پیشرفت انسانی بیان می‌کند.

پژوهش حاضر، افزون بر بیان مبانی نظری پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام، به استنباط معیارهای آن براساس قرآن و سخنان پیشوایان معصوم نیز پرداخته است و در ارائه این معیارها، دیدگاه اسلامی و توسعه انسانی متعارف را به صورت مقایسه‌ای بررسی کرده است.

بحث درباره تفصیل شاخص‌ها، از موضوع این مقاله خارج است و مجالی دیگر می‌طلبد، ولی برای سنجش و ارزیابی هر معیار به صورت خلاصه، شاخص‌هایی نیز طرح شده است.

مفاهیم و تعاریف

الف. توسعه و پیشرفت

غالباً این دو واژه به صورت مترادف و به معنای رشد، تغییر و گسترش تدریجی، تکامل و شکوفایی به کار می‌رود (عمید، ۱۳۴۳، ص ۴۲۸). توسعه را در اصطلاح باید جریانی چند بعدی دانست که

چیزهایی را می‌داند و چیزهایی را می‌تواند بداند؛ از این رو، برای کسب اطلاع بیشتر می‌کوشد. روشن است که اگر دانشمندان، رسیدن به شناخت قطعی و یقینی را کاری ناممکن می‌دانستند، هیچ تلاشی در زمینه علوم گوناگون انجام نمی‌دادند. امکان رسیدن به شناخت قطعی زمانی آشکارتر می‌شود که حتی کسانی که درصدد اثبات شک‌گرایی برآمده‌اند، ناخودآگاه، امکان شناخت یقینی را اثبات کرده‌اند (همان، ص ۱۶۳-۱۶۰).

این مبنا در علوم اسلامی بسیار گسترده‌تر از علوم متعارف است؛ چراکه وصول به شناخت یقینی را نیز درباره قضایای متافیزیکی شامل می‌شود. با توجه به این اصل درباره حقیقت انسان و سعادت او، ویژگی‌های انسان متعالی، شاخص‌های پیشرفت انسان و موانع آن، می‌توان به شناخت یقینی رسید و حتی آن را ارزیابی کرد. بنابراین رهیافت توسعه متعارف با این نگرش که بعد روحی و معنوی انسان شایسته شناخت درست نیست و امکان ارزیابی آن وجود ندارد، توجیه‌پذیر نیست و معیارهای پیشرفت انسانی را از آن متمایز می‌کند.

توضیح بیشتر را با مبنای دیگر معرفت‌شناختی یعنی گستردگی ابزار شناخت و استفاده از تمامی آنها پی می‌گیریم:

۲. استفاده از همه ابزارهای شناخت

لازمه آگاهی از پدیده‌های مختلف، بهره‌گیری از منابع و ابزار شناخت متناسب با آن پدیده‌هاست. خداوند متعال چهار نوع ابزار شناخت، عقل، حس، شهود عرفانی و وحی و الهام را در اختیار انسان قرار داده است (حسین‌زاده، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۳). عقل مفاهیم کلی را درک می‌کند و قادر به تشخیص جزئیات نیست. قلمرو حس تنها امور مادی و محسوس است و هیچ قضاوتی درباره ماوراء طبیعت ندارد. وحی نیز مختص انبیای الهی است و از این راه به دیگران منتقل می‌شود. کشف و شهود عرفانی در صورت تحقق شرایط معین و برای افرادی خاص، میسر می‌شود.

شناخت صحیح انسان در بحث پیشرفت انسانی مستلزم به‌کارگیری متناسب همه ابزارهای شناخت است. این درحالی است که مبانی فلسفی توسعه متعارف از میان این ابزار تنها دریافت‌های حسی را شناخت؛ به بیان دیگر، علم دانسته و درباره ابزار عقل با محدودیت برخورد کرده؛ و ابزار وحی و الهام را غیرعلمی تلقی می‌کند. با توجه به تفاوت آشکاری که در تعریف علم و شناخت و عرصه‌های آن، یعنی جهان محسوس و عالم متافیزیک ایجاد می‌شود، می‌توان به تمایز معیار علم و سطح تحصیلات در دو نگرش اسلامی و توسعه غربی واقف شد.

پژوهش معیار به معنای اخیر است و با استنباط شاخص برای سنجش کمی آن می‌توان افراد یا جوامع را با یکدیگر مقایسه کرد.

د. شاخص

شاخص راهنمایی آماری است، که تغییرات یک متغیر را نسبت به زمان پایه نشان می‌دهد (فرهنگ، ۱۳۷۹، ص ۵۴۱ و ۵۴۵). در معنای نخست این واژه به میله‌ای اطلاق می‌شود که برای تعیین زمان، قبله و سطح آب، به کار برده می‌شود (معین، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۹۹۳) بر اساس تعریف انتخاب‌شده در این مقاله، شاخص ابزاری برای سنجش کمی معیار دلخواه است. واقع‌نمایی، قابلیت دسترسی، هزینه کم اطلاعات، سهولت استفاده، درک و تجزیه داده‌های آن از ویژگی‌های شاخص مناسب است (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۵۶).

مبانی پیشرفت انسانی اسلام

هر بحث نظری و رفتاری، برآیند پاره‌ای مبانی فکری است که زیربنای آن بحث را تشکیل می‌دهد. توسعه انسانی غرب دارای مبانی گوناگون فکری خاص خود است که از نگرش‌های اومانستی، لیبرالیستی و سکولاریستی نشئت می‌گیرد و بر نادیده گرفتن مبدأ جهان، انکار هدفمندی آفرینش، فردگرایی و لذت‌گرایی و تکلیف‌ستیزی استوار است. پیشرفت انسانی - اسلامی نیز مبانی فکری اسلامی دارد که در چهار حوزه معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی بیان می‌شود.

مبانی معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی درباره شناخت‌های انسان و ارزشیابی انواع و تعیین ملاک صحت و خطای آنها بحث می‌کند (مصباح، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۵۳). تا زمانی که امکان و ارزش شناخت‌های انسان و ابزار مناسب آن و توانایی عقل درباره حل مسائل مختلف به اثبات نرسیده باشد، هیچ‌گونه قضاوتی درباره صحت یا خطای مسائل مزبور، ممکن نخواهد بود. در ادامه برخی مبانی معرفت‌شناختی مرتبط با بحث پیشرفت انسانی، مطرح می‌شود:

۱. امکان شناخت یقینی و نفی شک‌گرایی

نفی شک‌گرایی (Skepticism) امری بدیهی است؛ چراکه هر انسان عاقلی بر این باور است که

مبانی هستی‌شناختی

شناخت صحیح عالم هستی، نقش تعیین‌کننده‌ای در افکار و رفتار انسان‌ها دارد. هر انسانی که هستی خود، اشخاص و اشیای دیگر را در نظر بگیرد، با چند پرسش اصلی روبه‌رو می‌شود (شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۷۲). که پاسخ صحیح به آنها رشد و تعالی حقیقی انسان را در پی دارد و پاسخ‌های نادرست، او را از مسیر سعادت منحرف خواهد کرد. این پرسش‌ها به‌طور عمده مربوط به مبدأ، معاد و سنت‌های حاکم بر نظام هستی، و در زمره مبانی هستی‌شناختی‌اند و کیفیت جواب به آنها، سبب پیدایش نظریه‌های گوناگون علمی می‌شود.

در این قسمت به مهم‌ترین مبانی هستی‌شناختی مرتبط با پیشرفت انسانی، اشاره می‌شود. این مبانی گرچه به صورت عام در دیگر مباحث نیز قابل طرح است، در شکل‌گیری انگیزه، اراده، انتخاب و تصمیم‌گیری افراد جامعه در زمینه‌های مختلف پیشرفت و فعالیت‌های گوناگون اقتصادی نقش دارد و اگر به‌صورتی صحیح و منطقی اتخاذ شود از ناهنجاری‌های اجتماعی و اقتصادی پیشگیری خواهد کرد.

الف) خدامحوری

نخستین اصل در این‌باره خدامحوری است؛ این اصل در بخش اعتقادات، متفرع بر پذیرش اصل وجود خدا و مسئله توحید است. از نظر اسلام، خداوند برترین جایگاه را در عالم هستی دارد (اعلی: ۱؛ روم: ۲۷). اسلام در مقایسه با ادیان دیگر، عالی‌ترین صفات را مخصوص خداوند می‌داند؛ یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها یگانگی خداست (کهف: ۳۸، ۱۱۰). همه اندیشه‌های اسلامی و رفتارهای مسلمانان براساس توحید شکل می‌گیرد. آموزه‌های اسلامی برای خداوند همه مراتب توحید را اثبات می‌کند. بر این اساس، عالم هستی مخلوق خدای یگانه است (زمر: ۶۲؛ فاطر: ۳). تدبیر امور آن (سجده: ۵) با واجب‌الوجودی است که بی‌نیاز از همه مخلوقات است همه مخلوقات وابسته و نیازمند او می‌باشند (فاطر: ۱۵؛ انعام: ۱۳۳). خداوندی که با فضل و رحمت خود، نعمت‌های بی‌شماری در اختیار انسان‌ها قرار داد (ابراهیم: ۳۴) و زمینه را برای زندگی درست آنها فراهم ساخت (نحل: ۱۱۴؛ بقره: ۱۷۲). بنابراین سزاوار است که انسان‌ها فقط او را بپرستند و در کارهایشان تنها از او یاری بخواهند (فاتحه: ۵؛ انعام: ۱۰۲).

یکی از ویژگی‌های دیگری که محوریت اعتقاد به خدا را در همه امور، از جمله بحث پیشرفت و توسعه مطرح می‌کند، این است که چون خالق است، کامل‌ترین علم و آگاهی را درباره اوصاف مخلوقاتش نیازمندی‌ها و عوامل تکامل و پیشرفت آنها داراست.

حکمت خداوند، ویژگی دیگری است که بر خدامحوری تأکید می‌کند. خداوند حکیم، جهان و

انسان را بیهوده نیافرید (مؤمنون: ۱۱۵)؛ بلکه هدف از آفرینش انسان، پیمودن راه قرب الهی با اظهار بندگی است (ذاریات: ۵۶). از سوی دیگر، تدبیر جهان با خداوند است (ربوبیت تکوینی) و برای اینکه انسان‌ها زندگی سعادت‌مندانه داشته باشند، برنامه صحیح زندگی را با فرستادن پیامبران در اختیار آنان قرار داده است (ربوبیت تشریحی)؛ از این رو، خدای حکیم، قرآن را به مثابه برنامه زندگی سعادت‌مندانه و مطابق با فطرت، به دست آخرین پیامبرش برای انسان‌ها فرستاده است. نگرش خدامحوری با دیدگاه انسان‌محوری در تلقی مفهوم توسعه، عوامل توسعه، شاخص‌ها، هدف اصلی از توسعه و پیشرفت و نماگرهای آن متفاوت است.

ب) سنت‌های الهی

سنت‌های الهی، ضوابطی است که در افعال الهی وجود دارد (قلعجی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۵۰) و خداوند امور عالم را بر پایه آنها تدبیر و اداره می‌کند (مصباح، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۲۵). در بررسی قوانین حاکم بر نظام هستی و ظهور و افول تمدن‌ها، توجه به جریان سنت‌های الهی نقش اساسی دارد.

نگرش اسلامی به پیشرفت را این‌گونه می‌توان بیان کرد که حکمت و اراده الهی بر این تعلق گرفته است که ترقی و کمال انسان‌ها و پیشرفت جوامع در گرو اعمال شایسته است و سقوط انسان‌ها و انحطاط تمدن‌ها به عملکرد ناشایست آنها بستگی دارد؛ عواملی چون تقوی، تحول درونی، انفاق و استغفار بر سیر تحول و پیشرفت جوامع انسانی اثری بسزا دارد (اعراف: ۹۶؛ رعد: ۱۱؛ نساء: ۳۹؛ هود: ۵۲). توجه به این عوامل، با نگرش جریان سنت‌های الهی و پیامدهای آن بر پیشرفت تمدن و زندگی بشر، در استنباط صحیح معیارهای پیشرفت انسان در سطح خرد و کلان مفید است. مقایسه این نگرش با نگرش قهر و خشم طبیعت، لطف طبیعت، دست نامربی طبیعت و مکانیسم بازار و به بیان دیگر، تبیین مکانیکی و انحصار علت فاعلی در علل مادی به خواننده واگذار می‌شود (ر.ک: کرمی، دیرباز، ۱۳۸۴).

ج) حیات جاودانه انسان

باور به «حیات جاودانه» در درک و تبیین مسائل مربوط به پیشرفت انسان، مسیر پیشرفت و معیارهای ارزیابی توسعه‌یافتگی جوامع نقش اساسی دارد. یکی از آموزه‌های مهم در جهان‌بینی اسلامی، معاد و بازگشت انسان‌ها به سوی خداست. اسلام اصالت و جاودانگی را از آن زندگی اخروی دانسته و دنیا را پلی برای رسیدن به آن می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ۳۱۹). از دیدگاه اسلام، دنیا مکانی برای تکامل شخصیت انسان (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ۲۶۷) و آخرت محل استقرار (دپلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۹) اوست.

حکم کرد که چنین دانش و روشی سودمند است و آیا چنین جامعه‌ای پیشرفته است؟ پاسخ منطقی به این پرسش‌ها به‌نحوه نگرش انسان مربوط است. انسانی که ابزار معرفت خود را محدود به شناخت حسی کرده است و حیات انسان را در سود و لذت مادی بیشتر خلاصه می‌کند، باید‌ها و نبایدها را خود تعیین کرده، پاسخ مثبت به دو خواسته مزبور را حق افراد جامعه می‌داند؛ هرچند، در واقع بر خلاف فطرت انسانی و مصلحت واقعی او باشد.

مبانی ارزش‌شناختی

ارزش مطلوبیتی است که از انجام افعال اختیاری انسان با راهنمایی عقل و به‌صورت آگاهانه و براساس انگیزه صحیح در جهت خواست متعالی انسان حاصل شود (مصباح، ۱۳۷۶، ص ۴۲ - ۵۲). هنگامی که این ارزش‌ها در نظامی از معیار و ملاک‌ها، برای ارزیابی ارزش اخلاقی و شایستگی رفتار، ساماندهی شوند یک نظام ارزشی پدید می‌آید (ترنر، ۱۳۷۸، ص ۸۰).

ارزش‌ها از جمله مفاهیمی‌اند که به زندگی انسان‌ها معنا می‌بخشند. در همه جوامع بشری، ارزش‌هایی وجود دارند که بنیان اصلی فرهنگ آن جامعه را شکل می‌دهند (رک: سبحانی، ۱۳۶۹، ص ۱۴ - ۱۷؛ ژان ون دث و الینور اسکار بروگ، ۱۳۷۸، ش ۱۳). اهمیت و جایگاه ارزش‌ها به‌گونه‌ای است که هر ملتی، هویت و حیات اجتماعی و سیاسی خود را در پابندی و احترام به آنها و انتقال کامل آن به نسل‌های آینده می‌داند. از دیدگاه نظام ارزشی اسلام، حقیقت و ملاک ارزش‌ها کمالی است که در روح انسان پدید می‌آید و انسان را به سوی خداپرستی و قرب الهی رهنمون می‌کند. البته این کمال که یک مفهوم حقیقی و غیراعتباری است، زمانی ارزش اخلاقی دارد که بر اثر رفتار اختیاری حاصل شود (مصباح، ۱۳۷۵، ص ۸۴).

براساس مبانی ارزش‌شناختی خاص در این بحث، اسلام بر استفاده درست از نعمت‌های الهی (اعراف: ۳۲) و تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان برای پیمودن مسیر عبودیت و بندگی حق تعالی تأکید دارد. بر این اساس از دیدگاه اسلام تأمین حداقل معاش برای افراد جامعه یک ضرورت است و رسیدن به رفاه نسبی و توسعه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۱) در زندگی امری مطلوب به شمار می‌آید؛ مشروط بر اینکه در جهت تکامل فضایل انسانی و پیشرفت مادی و معنوی انسان باشد (همان، ص ۵۶۸). در این بخش مهم‌ترین مصادیق ارزش‌های مرتبط با مبانی پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام، تبیین می‌شود:

الف) ایمان

از مهم‌ترین مباحث ارزش‌شناختی ایمان است که اساس دیگر ارزش‌ها و معیار رستگاری شمرده می‌شود

باور به معاد نقشی مهم در تربیت و سازندگی انسان دارد. فرد معتقد به معاد، سود و لذت را منحصر در امور مادی نمی‌بیند و به سود و لذت اخروی و فراتر از آن به رضوان الهی نیز اعتقاد دارد و آن را برتر از سود مادی می‌داند. از این رو، برای رسیدن به سود پایدار (اعلی: ۱۶ و ۱۷؛ نحل: ۹۶)، خالص (فاطر: ۳۵) ویژه (توبه: ۷۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق ج ۶، ص ۶۳) و فراوان (زخرف: ۷۱؛ آل عمران: ۱۳۳) اخروی، از بسیاری لذت‌های دنیوی چشم‌پوشی می‌کند. بنابراین، براساس معیارهای پیشرفت انسانی مبتنی بر آخرت‌گرایی، انسان پیشرفته کسی است که با استفاده صحیح از امکانات و نعمت‌های دنیا در جهت تأمین نیازهای مادی خود، برای سعادت زندگی اخروی نیز می‌کوشد.

مبانی انسان‌شناختی

یکی از مسائل زیربنایی علوم انسانی، نوع نگاه به انسان است. نگرش‌های متفاوت به انسان، نتایج گوناگونی را در حوزه‌های پژوهش درباره رشد و پیشرفت انسانی در پی دارد. اهداف و معیارهای پیشرفت از نظر کسی که با دید مادی به انسان می‌نگرد، با انسانی که به‌مثابه موجودی ابدی در نظر گرفته می‌شود و مرگ را سرآغاز زندگی جاودان می‌داند، متفاوت است. برخی ویژگی‌های انسان که سبب شناخت صحیح اوست و اثر فراوانی بر پیشرفت وی دارد، عبارت است از: اختیار، دوساحتی بودن و جاودانگی (رجبی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۹ - ۱۶۶).

چگونگی اتخاذ موضع در قبال این ویژگی‌ها به شناخت از انسان جهت می‌دهد و برای برنامه پیشرفت وی بسیار مؤثر است. انسانی که برای خود اختیار و انتخابی قایل نیست و به نوعی جبر در رفتار خود معتقد است، از نظر او نظام حق و تکلیف، پاداش و جزا و در نتیجه، پیشرفت یا رکود، بی‌معنا خواهد بود؛ همچنین انسانی که در چارچوب نگرش مادی خود، خواهان اختیار و آزادی نامحدود است با انتخاب و اختیار فردی که بعد معنوی انسان را پذیرفته است و به جاودانگی روح باور دارد، بسیار متفاوت است؛ زیرا یک انسان مادی همه فعالیت‌ها و تلاش‌های خود را برای درآمد و لذت بیشتر متمرکز می‌سازد و پیشرفت انسان از جنبه‌های روحی و معنوی را فراموش می‌کند، غافل از اینکه از جنبه فرامادی خود را محروم کرده است و اختیار و انتخابی ندارد.

روشن است چنین رشد و پیشرفتی از دیدگاه اسلام پذیرفته و مطلوب نیست؛ برای نمونه، بحث درباره این مطلب که چه علمی مفید و نافع است؛ آیا معیار آن فقط احساس نیاز و خواست جامعه است؛ تعریف نیاز چیست؟ آیا معیار آن تمایل و خواست اکثریت است؛ اگر بیشتر افراد جامعه خواهان تولید مشروبات الکلی یا آزادی روابط جنسی و همجنس‌بازی بودند آیا می‌توان

جسم و روح را انتظار داشت. قرآن نزول انواع برکات آسمان و زمین را که در زندگی و تأمین هدف انسان نقش دارند منوط به ایمان و تقوای جمعی می‌داند (اعراف: ۹۶).

ج) عبودیت

بندگی خدا یکی دیگر از مفاهیم ارزشی اسلام است. ارزش هر انسان به میزان بندگی‌اش بستگی دارد. انسان با قرار گرفتن در مسیر بندگی خدا، به وظایف خویش عمل می‌کند. قرآن کریم عبادت را راه درست زندگی (یس: ۶۱) و هدف خلقت انسان‌ها بیان کرده است (ذاریات: ۵۶). عبودیت، انسان را از کبر، خودخواهی و دیگر موانع پیشرفت انسانی باز می‌دارد. بنابراین در تدوین برنامه پیشرفت و ارائه معیارها و شاخص‌های آن، توجه به ارزش‌های ایمان، بندگی و تقوا که در پرتو دین‌داری به‌دست می‌آید، الزامی است.

د) آزادی

آزادی از مفاهیم ارزشی است که در نظام فکری اسلام به‌گونه‌ای ویژه و متفاوت با دیگر مکاتب فکری پرداخته شده است تا آنجا که گاه همراه با واژه «آزادگی» بیان می‌شود. میل به آزادی از جمله گرایش‌های فطری بشر بوده، پایین‌ترین درجه آن این است که انسان در بند دیگری نباشد. مصادیق دیگری از آزادی مثل انتخاب شغل، مسکن و همسر در زمره آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی شمرده می‌شود؛ اما برای آزادی، مراتبی عالی چون آزادی اندیشه و آزادی معنوی (رهایی از اسارت نفس) نیز وجود دارد. دستیابی به این مراتب، کرامت و آزادگی را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

ممکن است واژه آزادگی در کنار آزادی به‌کار رود، ولی این دو واژه با هم متفاوت‌اند. «آزادی» اصطلاحی حقوقی و اجتماعی است و به معنای رهایی از اسارت دیگران و نیز رها بودن در بعد فکری و عملکردی از سلطه اندیشه، فرهنگ و دین خاص است. آزادی گاه منجر به پذیرش ذلت و قرار گرفتن در موضع ضعف می‌شود، اما آزادگی این است که انسان کرامت و شرافت خویش را شناخته و تن به پستی، ذلت و حقارت نفس و اسارت دنیا و زیر پا نهادن ارزش‌های انسانی ندهد (محدثی، ۱۳۸۱، ص ۵۵).

مطلوب بودن آزادی مطلق نیست؛ بلکه تا آنجا که ابزاری برای کمال روح باشد، ملاک ارزش و پسندیده است. اسلام برای رعایت مصالح جامعه، آزادی را با رعایت حدود الهی می‌پذیرد تا بدین ترتیب افراد در مسیر قرب الهی به کمال مطلوب رهنمون شوند. از نظر اسلام آن آزادی‌ای مطلوب و ارزشمند است که در چارچوب حدود و ارزش‌های الهی و در مسیر دستیابی به آزادگی و کرامت انسانی باشد.

(تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۷ - ۸۸). اعمال انسان بدون ایمان بی‌ارزش است. روشنی‌بخش ایمان، اعمال شایسته‌ای است که بصیرت درباره دین چراغ راهنمای آن است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۹). ایمان به معنای تصدیق (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۰۵)، وثوق و اطمینان، آرامش خاطر (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۱) و در امان بودن (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۱) است و در اصطلاح تعاریف گوناگون دارد که از مجموع آنها می‌توان ایمان را ملکه نفسانی و گرایش به مضامینی دانست که اقرار زبانی حاکی و اعمال لازمه آن شمرده می‌شود. کمترین درجه ایمان برای نیل به سعادت، باور به خدای یگانه، پیامبر اسلام و انبیای الهی، امامت، پاداش و کیفر اخروی و وحی است و لازمه آن، تصمیم اجمالی بر عمل به دستورهای خدای متعال است (مصباح، ۱۳۷۵، ص ۱۲۹).

بنابراین، پیشرفت واقعی انسان و جامعه انسانی در سایه ایمان به دست می‌آید. کسی که به مبدأ و معاد، فرستادگان الهی و کتاب‌های آسمانی باور نداشته باشد، نه تنها بخش گسترده‌ای از زندگی خود را نادیده می‌گیرد؛ بلکه خود را از شناخت و بهره‌مندی بسیاری از حقایق نیز محروم کرده است. چنین فردی به پیشرفت مطلوب انسانی دست نخواهد یافت.

ب) تقوا

تقوا ارزش دیگری است که در جامعه ایمانی و دینی مطرح می‌شود، درحالی‌که توسعه متعارف با آن بیگانه است. مفهوم اخلاقی تقوا این است که انسان احساس کند بر اثر بعضی از رفتارها، کمال و صفای روح و ارزش وجودی‌اش به خطر می‌افتد (همان، ص ۸۸) و درصدد حفظ خود از آنها برآید.

در مفهوم تقوا، به منشأ روانی آن یعنی خوف از خطر، و نیز به اینکه آثار و پیدایش این خطرها و سقوطها به دست خداست، توجه می‌شود (همان). در آموزه‌های دینی به شیوه‌های گوناگون بر لزوم تقوا در فرد و جامعه تأکید شده است؛ از آیه «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» (حجرات: ۱۳) روشن می‌شود که عام‌ترین ارزش در رفتار و ملاک‌های اخلاقی، تقواست (همان). تقوا به معنای انجام فرایض الهی و ترک محرّمات بوده، سبب تقویت ارزش‌های انسانی دیگری همچون صداقت، امانت، عدالت، وفای به عهد و... می‌شود. تقوا با پیشرفت انسانی رابطه همسو دارد، یعنی میزان رشد و کمال انسان حتی در پیشرفت پایدار مادی به میزان بهره‌مندی افراد جامعه از تقوا بستگی دارد. در بحث پیشرفت انسانی مطلوب از نظر اسلام افزون بر تقوای فردی، نیاز به تقوای اجتماعی است؛ بدین معنا که حرکت کلان جامعه بایستی براساس ارزش تقوا شکل گیرد و روحیه تقوا بر جامعه حاکم باشد. در این صورت است که می‌توان تحقق شرایط پیشرفت در یک جامعه مثل امنیت، آرامش، سلامت

۱. تأمین نیازهای مادی و رفاه نسبی؛
۲. مکارم اخلاقی و رشد معنویات؛
۳. عدالت اجتماعی (به ویژه عدالت توزیعی)؛
۴. آزادی همراه با آزادگی.

معیارهای پیشرفت و تعالی از دیدگاه اسلام

پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام، با توجه به ابعاد گوناگون و پیچیده وجود انسان، از وسعت مفهومی و محتوای غنی برخوردار است. اما شاخص توسعه انسانی چنانکه اندیشمندان غربی نیز اذعان دارند؛ به طور کامل، محتوای این مفهوم را دربر نمی‌گیرد.

مثلاً فرگنی، ۲۰۰۲، و دسگوتیا (۱۹۹۵) بر این باورند که HDI تمامی اهداف لحاظ شده را به طور کامل پوشش نمی‌دهد؛ زیرا به جنبه‌های مهمی از قبیل آزادی و حقوق بشر، اعتماد به نفس، استقلال و حس جمعی، نگرانی‌های زیست‌محیطی، و غیره توجه نکرده است (ایتی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۹).

براساس نگرش پیشرفت انسانی اسلام، اشکال یادشده نیز بر دیدگاه غربی وارد است؛ بدین معنا که اسلام نه تنها در کنار بعد مادی انسان به جنبه روحی و معنوی او توجه می‌کند؛ اصل شخصیت انسان را روح می‌داند، و در کنار حیات دنیوی، برای زندگی اخروی نیز برنامه‌هایی عرضه و جهت اصلی زندگی انسان را متوجه آخرت می‌کند (عنکبوت: ۶۴؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۹). پیشرفت اسلامی ویژگی‌هایی همچون ایمان، ارزش‌های اخلاقی و مذهبی، آزادی و آزادگی را برای انسان ضرور می‌داند.

در فرهنگ اسلام از تعبیری همچون تعالی، تکامل، سعادت، فوز و فلاح سخن به میان آمده است. این نوع نگرش علاوه بر صبغه معنوی، تأمین نیازهای مادی انسان را نیز لازم می‌داند؛ از این رو شاخص توسعه انسانی که از آن به شاخص پیشرفت انسانی تعبیر می‌کنیم، معیارهای شاخص متعارف را که ناظر به زندگی مادی انسان بوده و منحصر در سواد، درآمد، بهداشت و سلامت است به صورت غنی و گسترده دربر دارد؛ از سوی دیگر، با بینش الهی که بر آن حاکم است، معیارهای دیگری را اضافه می‌کند. در ارائه شاخص پیشرفت انسانی اسلام، معیارهای دینداری، علم و معرفت، کرامت و آزادگی، و تأمین معاش مدنظر است.

منطق انتخاب معیارهای فوق، توجه به نیازهای طبیعی انسان در دو بعد جسمی و روحی با حفظ شأن و منزلت وی در بعد فردی و اجتماعی است. برای پاسخ‌گویی به بعد جسمی، اول معیار تأمین معاش، برای نیاز روحی معیار علم و معرفت و دین‌داری مطرح می‌شود. براساس معیار چهارم، اسلام خواستار

بنابراین آزادی‌های رایج در غرب که غالباً با بی‌بندوباری و نادیده گرفتن فضایل انسانی همراه است. از نظر اسلام مردود بوده، مانعی بر سر راه پیشرفت واقعی انسان به شمار می‌آید.

ه) عدالت

عدالت ارزش دیگری است که در مبانی فکری دین اسلام جایگاهی مهم دارد. بسیاری از احکام اسلامی با محوریت عدالت و برای تأمین آن در جامعه است؛ از این رو در تدوین برنامه پیشرفت و ارائه معیارها، شاخص‌ها و نیز نماگرهای ارزیابی، باید عدالت به طور جدی مطرح باشد، به گونه‌ای که در ابعاد گوناگون پیشرفت انسانی، تأمین عدالت برای نسل حاضر و عدالت بین نسلی ملاحظه گردد. پژوهش درباره معنای عدالت و نقش آن در پیشرفت انسانی، بحثی است دقیق و مفصل که فرصت دیگری را می‌طلبد. کوتاه سخن آنکه: از نظر عده زیادی از اقتصاددانان نظام سرمایه‌داری، اگر بی‌عدالتی سبب افزایش جمع کل لذت جامعه شود، چنین راهبردی مطلوب بوده و توصیه می‌گردد، ولی نظام اقتصادی اسلام چنین دیدگاهی را نمی‌پذیرد (میرمعزی، ۱۳۸۸، ص ۶۱ - ۶۷).

اهداف پیشرفت انسانی در اسلام

از نظر اسلام، منتهای حرکت تکاملی انسان، قرب ربوبی است که در بسیاری از آیات قرآن با تعبیرهای گوناگون همچون «الی ربک المنتهی» (نجم: ۴۲)، «ان الی ربک الرجعی» (علق: ۸)، «انا لله و انا الیه راجعون» (بقره: ۱۶۵) بیان شده است. از طرف دیگر، در نگرش اسلامی پیشرفت انسانی فرایندی است که هدف آن، تأمین نیازهای مادی و معنوی است. بنابراین چون جنبه اخلاقی پیشرفت نیز مدنظر اسلام است، تقویت عواملی مورد تأکید است که به ارتقاء معنویت، اخلاق، تربیت و حیات طیبه انسانی کمک کرده و زمینه رشد معنوی و قرب انسان و جامعه را فراهم آورد (رامش، ۱۳۶۴، ص ۶) و موانع را برطرف کند (اخترشهر، ۱۳۸۶، ص ۱۷ - ۱۸).

مفهوم پیشرفت انسانی در اسلام دارای خصوصیات جامعی است و شامل جنبه‌های اخلاقی، روحی و مادی می‌شود و علاوه بر حداکثر رساندن نفع مادی به دنبال دستیابی انسان به سعادت در دنیا و آخرت است.

در نتیجه اهداف پیشرفت انسانی از نظر اسلام را می‌توان در دو سطح مطرح کرد:

الف) هدف نهایی که همان سعادت و قرب الهی است.

www.SID.ir

ب) اهداف میانی:

حفظ کرامت و شرافت انسانی در همه زمینه‌هاست. حفظ کرامت و آزادگی انسان، معیاری است که همواره کانون توجه آموزه‌ها و دستورهای اسلامی بوده و بسیاری از احکام اسلامی برای جلوگیری از پایمال شدن کرامت اشخاص به دست دیگران است.

از نظر اسلام پیشرفت انسانی «فرایند هدایت‌شده‌ای براساس بینش توحیدی است که تغییرات ساختاری در رفتار انسان‌ها از جهت فردی و اجتماعی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی ایجاد می‌کند که طی آن افراد با استفاده از دانش و فن‌آوری، در پرتو رشد اقتصادی به رفاه نسبی دست یافته و با به‌کارگیری آن در مسیر عبودیت و اطاعت خداوند به کرامت و آزادگی، معرفت و بصیرت رسیده و به‌صورتی پویا و فعال به سمت حیات طیبه حرکت می‌کنند».

توضیح آنکه علم و معرفت نه تنها بر معیار سطح سواد دلالت دارد، بلکه هدف غایی کسب دانش را، که از نظر اسلام رسیدن به معرفت است، شامل می‌شود؛ همچنین از دیدگاه جامع اسلام درباره تأمین معاش، هر شخص علاوه بر داشتن درآمد کافی، می‌بایست از بهداشت و سلامت مطلوب نیز برخوردار باشد. بنابراین، معیارهای چهارگانه مزبور بدون اینکه چیزی از معیارهای توسعه انسانی غرب را نادیده گرفته باشد، در سطحی وسیع‌تر، به همه ابعاد وجودی انسان توجه می‌کند.

گفتنی است پیشرفت انسانی مطمح نظر اسلام، که تعریف آن گذشت، به همه ابعاد و ساحت‌های وجودی انسان، مشتمل بر جسم و روح، دنیا و آخرت و جنبه‌های فرهنگی اقتصادی و اجتماعی او توجه دارد.

نمودار ۱: معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام

معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام



مستند استنباط معیارهای مزبور، آیات قرآن کریم و سخنان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام است که در ادامه به برخی آنها اشاره می‌شود:

الف) دین‌داری

دین‌داری نخستین معیار شاخص پیشرفت انسانی اسلام است. در نگرش الهی ارزش انسان در گرو تدین اوست. در آیات قرآن با تعبیر گوناگون به اهمیت و آثار دنیوی و اخروی دین‌داری اشاره شده است خداوند سبحان اقامه دین را از عموم مردم می‌خواهد (شوری: ۱۳). در آیه دیگری می‌فرماید: «بَلَى مَنْ

أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۱۱۲). براساس این آیه از جمله آثار دین‌داری، رفع خوف و حزن، یعنی امنیت و آسایش است.

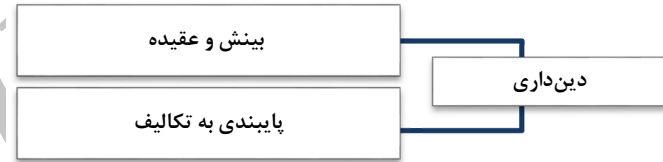
خداوند در پاداش عمل به دستورهای دینی، افزون بر حیات طیبه در دنیا، به بهترین جزای نیک در آخرت نیز بشارت می‌دهد: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷). در بیشتر تفاسیر حیات طیبه به شیوه خاصی از زندگی دنیا و یا برخی جلوه‌های آن تفسیر شده است (ر.ک: بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۵۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق ج ۱۲، ص ۳۴۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۰۶؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۱۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۳۹).

براساس آموزه‌های قرآن، انسان با نگرش مادی موجودی ظالم، ناسپاس، عجول، طغیان‌گر، حریص، ناشکیبا، طمع‌کار و بخیل است (ابراهیم: ۳۴؛ اسراء: ۱۱؛ علق: ۶؛ معارج: ۲۱ - ۱۹؛ فجر: ۲۰؛ عادیات: ۶ - ۸) این موجود با توجه به بینش الهی و پایبندی به آموزه‌های وحیانی، از موجودی مادی به وجودی ملکوتی تبدیل شدنی است (ابن‌بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴). دین ارزش انسان را از محدوده مادیات فراتر برده، در جایگاه موجودی معرفی می‌کند که شایستگی دستیابی به مقام خلافت الهی را دارد. معرفی می‌نماید. دین بر شخصیت انسان اعم از رفتار، نوع زندگی، سلاقی و ترجیحات، چگونگی برخورد با انسان‌های دیگر، منابع و محیط زیست اثر دارد. در این صورت انسان پیشرفته طبق موازین و معیارهای دینی می‌تواند به مقام رضوان الهی نایل شود (مجادله: ۲۲). بنابراین مهم‌ترین کار زندگی انسان که در تعالی و پیشرفت او تأثیر بسزایی دارد و بدون آن پیشرفت حقیقی برای انسان متصور نمی‌شود؛ مسئله دین‌داری است.

دین‌داری مبتنی بر دو بعد بینشی و رفتاری است. براساس آموزه‌های اسلامی ایمان و عمل صالح دو رکن اصلی تدین به دین الهی است؛ از این رو، می‌توان دو شاخص بینش و عقیده صحیح (اصول اعتقادات) و پایبندی به تکالیف الهی (تکلیف‌مداری) را طرح کرد. این دو شاخص و نماگرهای گوناگونی که برای آن طرح می‌شود، امکان سنجش کمی میزان تدین را با استفاده از نمونه‌های آماری فراهم می‌کند. گفتنی است معیار دین‌داری با دو شاخص داشتن عقیده و بینش صحیح (ایمان به اصول اعتقادی) و پایبندی به تکالیف الهی به معنای انجام واجبات و ترک محرمات، ما را از معیار کرامت و آزادگی با شاخص‌هایی که برای آن مطرح می‌شود، بی‌نیاز نمی‌سازد؛ زیرا روشن نیست که انسان با داشتن دو شاخص مطرح شده برای دین‌داری، به آرامش و اطمینان خاطر مورد نظر خود در معیار کرامت و آزادگی برسد و از شئون و مکارم اخلاقی چون مناعت طبع، سخاوت، شجاعت، صبر و بردباری، مسئولیت‌پذیری

و تواضع بهره‌مند گردد؛ علاوه بر اینکه دین برای عملی شدن احکام و دستورهای خود از ظرفیت شئون اخلاقی استفاده می‌کند؛ از سوی دیگر، اصل کرامت و آزادگی امری فطری بوده و هر انسانی با عقل سلیم خود در پی آن است و آموزه‌ها و احکام دینی، مانند بسیاری از موضوعات دیگر درصدد تصحیح، تقویت و جهت‌دهی به آن می‌باشد.

نمودار ۲: شاخص‌های معیار دین‌داری



معیار دین‌داری با در نظر گرفتن دو شاخص بینش و عقیده صحیح و تکلیف‌مداری برای آن، مشتمل بر جنبه‌های گوناگون پیشرفت روحی و جسمی، دنیایی و آخرتی انسان است؛ زیرا در شاخص تکلیف‌مداری نماز و روزه مطرح است که بیشتر جنبه رشد و پرورش روح را برای انسان دارد و نمازگرایایی چون خمس و زکات در آن جنبه پیشرفت اقتصادی انسان را در نظر می‌گیرد، امر به معروف و نهی از منکر نیز جنبه اجتماعی دارد، در عبادتی مانند حج به همه ابعاد مزبور توجه می‌شود.

ب) علم و معرفت

علم و معرفت معیاری است که نیاز به عقل و عقلائیات انسان را تأمین می‌کند. خداوند درباره اهمیت این معیار می‌فرماید: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند، برابرند؟ همانا صاحبان خرد متذکر می‌شوند» (زمر: ۹). آیه یاد شده صاحبان علم را به «اولو الالباب» یعنی دارندگان عقل متناسب می‌کند. کسب و طلب علم از شعائر اساسی اسلام است که به روش‌های گوناگون به آن سفارش شده است (مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ق، ص ۱۳). در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده [است] به درجاتی ارتقای مقام می‌دهد». (مجادله: ۱۱). این آیه عالمان با ایمان را بر دیگر مؤمنان برتری داده است.

در اهمیت علم به عنوان یک معیار همین بس که حضرت ابراهیم آن را به عنوان علت لزوم متابعت پدر از خود بیان نموده است (مریم: ۴۳). در تعریف انسان پیشرفته به معنای واقعی، توجه به این نکته لازم است که غایت دینداری (عبادت به تمام معنای کلمه) رسیدن به معرفت است. این مطلب را به شرح اصول کافی که «لیعبدون» در آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) را به «لیعرفون»

تفسیر کرده و در ادامه حدیث قدسی: کنت کنزاً مخفياً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لاعرف، را آورده می‌توان مستند ساخت (شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۱۹).

از نظر اسلام علمی سعادت‌آفرین و موجب رستگاری است که با معرفت همراه باشد و جنبه‌های شناختی و معرفتی انسان را افزایش دهد. همراه با تحول و اصلاح انسان، فضایل اخلاقی و معنوی را برای او به ارمغان آورد. این علم مشتمل بر علوم متعارف، در زمینه کشف رازهای طبیعت و معرفت به خالق، خودشناسی (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۹)، شناخت اسباب سعادت، خوشبختی دنیا و آخرت و شیوه بهره‌برداری از امکانات دنیاست. به بیان دیگر، منظور از علم و سطح تحصیلات در توسعه انسانی متعارف، متغیر آموزش و سطح سواد افراد جهت نشان‌دادن میزان دستیابی مردم به سطوح دانش طراحی شده است، اما در پیشرفت انسانی مطرح نظر اسلام، دانش تنها، شرط لازم (نه کافی) برای وصول به علم و معرفت است. قرآن برای ارتقاء سطح معرفت افراد؛ آنان را به تدبر و تفکر و تعقل در آیات الهی دعوت می‌کند (روم: ۲۰-۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۲).

برای ارزیابی و سنجش میزان علم و معرفت افراد جامعه می‌توان از پنج شاخص سواد و سطح تحصیلات، مطالعه و تحقیق مفید، اطلاعات دینی، تفکر و بصیرت و خلاقیت و نوآوری بهره برد. تمایز شاخص مطرح‌شده با نظیر این شاخص در توسعه انسانی غرب (نرخ باسوادی) اضافه شدن معرفت است؛ زیرا از نظر اسلام علم و سواد و همچنین نتایج آن زمانی برای سعادت انسان سودمند است که مقدمه و ابزاری برای کسب معرفت باشد.

نمودار ۳: شاخص‌های معیار علم و معرفت



ج) تأمین معاش

تأمین معاش علاوه بر رفع نیازهای جسمی، در دین‌داری انسان بسیار مؤثر است. پیامبر اسلام ﷺ در بیانی انجام دستورهای دینی را به وجود نان که نمود بارز در معیشت انسان است، منوط کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۳). در حدیثی دیگر پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»

نمودار ۴: شاخص‌های تأمین معاش



د) کرامت و آزادگی

کرامت و آزادگی چهارمین معیار برای ارزیابی پیشرفت و تعالی انسان است. کرامت مقامی تکوینی است که خداوند متعال به همه انسان‌ها بخشیده است (اسراء: ۷۰) فقط افرادی که در این دنیا با ایمان و عمل صالح کرامت ذاتی را به فعلیت رسانده‌اند و با رعایت تقوا مقام قرب الهی را به دست آرند در زمره گرامی‌ترین انسان‌ها در پیشگاه خدا قرار می‌گیرند (حجرات: ۱۳). در نتیجه با کرامت اکتسابی از اسارت هواهای نفسانی آزاد می‌شوند و به حریت و آزادگی دست می‌یابند.

حضرت علی علیه السلام در نامه خود به امام حسن علیه السلام آزادگی را یکی از نعمت‌های خدادادی دانسته، می‌فرماید: «نفس خود را در برابر هرگونه پستی، هرچند تو را به خواسته‌هایت برساند، حفظ کن؛ زیرا در مقابل کرامت نفسی که از دست می‌دهی عوضی نمی‌گیری؛ بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفریده است» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۲۳۱). امام حسین علیه السلام نیز زمانی که میان انتخاب مرگ شرافتمندانه و زندگی ذلت‌بار، قرار گرفت با بیان «هیئات منا الذله» (مسعودی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۶)، شهادت را مصداق کامل آزادگی معرفی کرد. گرچه این کرامت در آن زمان بهای شهادت را به دنبال داشت، آن حضرت با استقبال از شهادت، کرامت و آزادگی خود و امت اسلامی را حفظ کرد.

کرامت و آزادگی در مسیر حرکت به سوی کمال شایسته انسانی و تقرب الی الله و نیز در جهت تأمین نیازهای روحی، عقلی و جسمی انسان لازم است؛ زیرا با توجه به این معیار از همه راهبردها و راهکارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که سبب از میان رفتن شخصیت انسانی و الهی انسان می‌شود و با آزادگی و کرامت وی در تعارض است اجتناب می‌شود.

برای کرامت و آزادگی سه شاخص رعایت مکارم اخلاقی، ولایت‌پذیری و اطمینان خاطر و آرامش روحی پیشنهاد می‌شود؛ زیرا یک انسان با کرامت و آزاده که در مسیر پیشرفت انسانی مورد قبول اسلام حرکت می‌کند و تربیت وی با توجه به آموزه‌های دینی و مقید به رعایت حدود و مقررات الهی است، در عمل ولایت‌پذیر و بر رعایت شئون و مکارم اخلاقی مواظبت دارد و از نظر روحی به آرامش و اطمینان

(همان، ج ۲، ص ۳۰۷)؛ یعنی فقر در امور معیشتی و زندگی مادی بر امور معنوی و دین‌داری فرد اثر گذار بوده، ممکن است انسان را تا مرز کفر پیش ببرد. امام صادق علیه السلام درباره اهمیت تأمین معاش فرمودند: «پنج ویژگی است که هرکس حتی یکی از آنها را از دست دهد، برای همیشه با معیشت ناقص، زوال عقل و قلبی مشغول روبه‌رو می‌شود: ۱. سلامت جسم؛ ۲. امنیت؛ ۳. توسعه معاش؛ (درآمد مکفی)؛ ۴. انیس موافق (همسر، فرزند و دوست صالح)؛ ۵. آرامش روحی (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۱۶۴). شایان ذکر است که در آغاز روایت به سه نیاز طبیعی بشر یعنی نیاز جسمی، عقلی و روحی اشاره شده است.

تأمین معاش و دستیابی به زندگی سالم و آرام همراه با سلامت جسم و روح، از ضروری‌ترین نیازهای بشر برای نیل به کمالات معنوی و سعادت است که در سایه پابندی به دین و عمل به احکام آن به دست می‌آید. اسلام با درک ضرورت تأمین معاش، فقط به قدرت خرید با شاخص درآمد سرانه واقعی بسنده نمی‌کند؛ بلکه حلال و طیب بودن درآمد و رعایت حدود الهی و ارزش‌های انسانی را در مسیر تأمین معاش لازم می‌داند و بیشتر شدن سود و درآمد را برای تولیدکننده و مطلوبیت و لذت فراوان را برای مصرف‌کننده، هدف نهایی نمی‌داند.

درباره تأمین معاش که معیاری ترکیبی است، مقصود ارزیابی میزان دستیابی به حد کفاف زندگی است که در آن از امکانات مادی، در جهت نیل به تعالی و پیشرفت، به‌طور بهینه و کارآمد استفاده می‌شود. آنچه شاخص پیشرفت انسانی را از شاخص توسعه انسانی متعارف متمایز می‌کند این است که در برنامه پیشرفت انسانی اسلامی کیفیت گذران عمر و نوع تأمین معیشت، از طولانی بودن مدت زندگی و صرف تأمین معاش، مهم‌تر قلمداد شده است و بیشتر راهبردها و راهکارهایی که در آموزه‌های دینی با لحاظ این معیار بیان می‌شود، برای ارتقای معنوی زندگی انسان می‌کوشد.

برای ارزیابی و سنجش سطح تأمین معاش، شاخص‌های چهارگانه حد کفاف، بهداشت و سلامت، تدبیر معیشت و تکافل اجتماعی قابل طرح است؛ زیرا براساس آموزه‌های اسلامی، انسان برای دستیابی به یک زندگی شرافتمندانه همراه با رفاه نسبی، باید حد کفافی از درآمد را داشته و بهداشت و سلامت او برای تداوم حیاتی همراه با نشاط و پویایی تأمین شود. همچنین برای گذران زندگی همراه با اعتدال و به‌دور از افراط و تفریط، باید تدبیر معیشت داشته باشد؛ چنان‌که به هر دلیل موجهی نتواند به سطح یاد شده برسد، افراد جامعه و دولت اسلامی با توجه به لزوم تکافل اجتماعی برای محرومان و نیازمندان، در قبال وی مسئول‌اند.

کردن موضع خود در برابر این موضوعات است، نه اینکه اینها جزء دین اسلام باشد و انسان‌ها هیچ توجیهی برای آن نداشته باشند.

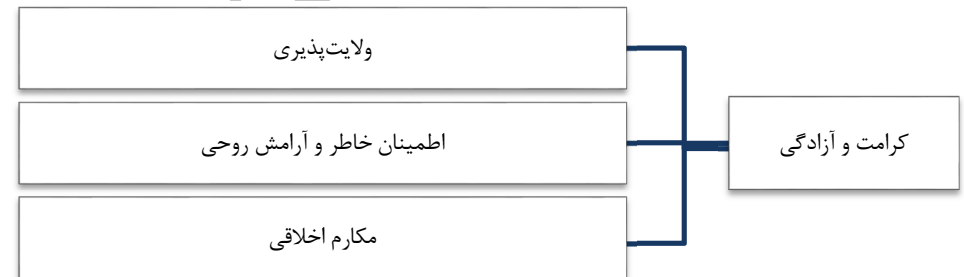
بنابراین، پیشرفت انسانی براساس مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناختی اسلام فرایند هدایت شده‌ای براساس بینش توحیدی است که تغییرات اساسی در رفتار انسان‌ها را از نظر فردی و اجتماعی در ابعاد مختلف جامعه اسلامی ایجاد می‌کند و طی آن افراد جامعه در سایه دین‌داری با تأمین معیشت، و بهره‌گیری از کرامت و آزادگی و علم و معرفت، در پرتو رشد اقتصادی و کاهش نابرابری و حذف فقر، پویا و فعال به‌سوی حیات طیبه حرکت می‌کنند.

نمودار ۶: معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام و شاخص‌های آن

پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام و شاخص‌های آن	
معیارها	شاخص‌ها
دین‌داری	بینش و عقیده
	پابندی به تکالیف
علم و معرفت	سواد و سطح تحصیلات
	مطالعه و تحقیق مفید
	اطلاعات دینی
	خلافت و نوآوری
تأمین معاش	حد کفاف
	بهداشت و سلامت
	تکافل اجتماعی
	تدبیر معیشت
کرامت و آزادگی	رعایت مکارم اخلاقی
	اطمینان خاطر و آرامش روحی
	ولایت‌پذیری

خاطر می‌رسد؛ زیرا او فردی دین‌دار و باتقواست و با دستیابی به کرامت و آزادگی از دل‌بستگی به دنیا و اسارت هواهای نفسانی آزاد می‌گردد و دلش با یاد خدا مصفّی و با ضمیری روشن به فضل الهی امیدوار می‌شود و هیچ‌گونه اضطراب و نگرانی ندارد.

نمودار ۵: شاخص‌های کرامت و آزادگی



کرامت و آزادگی دو بعد روحی - روانی و عملی دارد. جنبه روحی آن در شاخص آرامش روحی و اطمینان خاطر و برخی نماگرهای مکارم اخلاقی جلوه‌گر می‌شود، جنبه عملی آن در ولایت‌پذیری و برخی شئون و مکارم اخلاقی چون صبر و بردباری، مسئولیت‌پذیری، سخاوت، اغتنام فرصت، وفای به عهد، عفو و گذشت نمود می‌یابد. این مطلب در معیار دین‌داری بررسی می‌شود؛ زیرا شاخص بینش و عقیده صحیح مربوط به بعد روحی انسان و پابندی به تکلیف مربوط به اعمال انسان می‌شد؛ به‌طورکلی، این موضوع مانند ایمان و عمل صالح است که در قرآن بارها در کنار هم بر آن تأکید شده است.

نتیجه‌گیری

معیارهای پیشرفت انسانی در اسلام با شاخص توسعه متعارف که در جهت سنجش بعد مادی انسان است، تفاوت ماهوی دارد. پیشرفت انسانی در اسلام فرایندی است که منافع مادی و معنوی، دنیوی و اخروی انسان را تأمین می‌کند و هدف اصلی آن نیز نیل به سعادت واقعی و قرب الی‌الله است؛ ازاین‌رو، معیارهای دین‌داری، علم و معرفت، تأمین معاش و کرامت و آزادگی را پیشنهاد می‌دهد.

در نگاه نخست، شاید تصور شود که معیار دین‌داری شامل معیارهای علم و معرفت، تأمین معیشت و کرامت و آزادگی است و نیازی به بازگویی دیگر معیارها نیست، ولی باید توجه داشت که هر معیار با نگاه استقلالی به آن پرداخته شده است نه به عنوان جزئی از دستوره‌های دینی. اقبال دین اسلام به این مقوله‌ها و به بیان دیگر، نیازهای بشری و راهکارهای دینی ارائه شده، به‌سبب جامعیت دین اسلام و برای مشخص

منابع

- ابن ابی جمهور، محمد، ۱۴۰۳ق، *عوالی اللالی*، قم، سیدالشهداء.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵، *علل الشرائع*، قم، کتاب فروشی داوری.
- ابن منظور، محمد، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، تصحیح جمال الدین میردامادی، ج سوم، بیروت، دارالفکر - دارصادر.
- اخترشهر، علی، ۱۳۸۶، *اسلام و توسعه*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اکبری، نعمت‌اله و وحید افخمی ستوده، ۱۳۸۷، «بررسی سازگاری و نقش آموزه‌های اسلامی با شاخص‌های نوین توسعه اقتصادی»، در: *مجموعه مقالات همایش اقتصاد اسلامی و توسعه*، مشهد.
- ایروانی، جواد، ۱۳۸۴، *اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- آقائظری، حسن، ۱۳۸۶، «توسعه سرمایه انسانی براساس آموزه‌های اسلام و تأثیر آن بر توسعه انسانی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۷، ص ۵۵ - ۷۰.
- بروجردی، آقاسین، ۱۳۸۶، *جامع أحادیث الشیعة*، تهران، فرهنگ سبز.
- بحرانی، سیدهاشم، ۱۳۷۴، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه بعثه.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ترنر، جانانان اچ، ۱۳۷۸، *مفاهیم و کاربرهای جامعه‌شناسی*، ترجمه فولادی و بختیاری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۴۱۰ق، *غررالحکم و دررالکلم*، چ دوم، قم، دار الکتب الاسلامی.
- توکلی، محمد جواد، ۱۳۹۰، روش شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی، *معرفت اقتصادی*، ش ۴، ص ۳۱-۵۷.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، «پژوهش‌های قرآنی»، *علوم انسانی*، ش ۵۷.
- جهانیان، ناصر، ۱۳۸۸، *اسلام و رشد عدالت محور*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- چپرا، محمد، ۱۳۸۳، *اسلام و توسعه اقتصادی: راهبردی برای توسعه همراه با عدالت و ثبات*، ترجمه محمدتقی نظریور و اسحاق علوی، قم، دانشگاه مفید.
- حسین‌زاده، محمد، ۱۳۸۰، *مبانی معرفت دینی*، چ سوم، قم، مؤسسه امام خمینی (ره).
- حسینی همدانی نجفی، محمد، ۱۳۶۳، *درخشان پرتوی از اصول کافی*، قم، چاپخانه علمیه.
- حر عاملی، محمد، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت 
- خلیلی تیرتاشی، نصراله، ۱۳۷۹، *معیارها و شاخص‌های توسعه انسانی در اسلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،
- مؤسسه امام خمینی (ره).
- خلیلیان، محمدجمال، ۱۳۸۴، *شاخص‌های توسعه اقتصاد از دیدگاه اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمدمعین و سیدجعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق، *إرشاد القلوب*، قم، الشریف الرضی.
- رامش ورپرا ساد مسیبرا، «برداشتی نو از مسائل توسعه» گزیده مسائل اقتصادی-اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، ش ۴۶، آذر ۱۳۶۴.
- ژان ون دث و الینور اسکار بروگ، ۱۳۷۸، «چیستی ارزش»، ترجمه اصغر افتخاری، *قبسات*، ش ۱۳، ص ۱۱۰-۱۲۵.
- رجایی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۸۱، *معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- رجبی، محمود، ۱۳۸۰، *انسان‌شناسی (سلسله دروس اندیشه‌های بنیادین اسلامی)*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- روزبهان، محمود، ۱۳۸۱، *مبانی توسعه اقتصادی*، تهران، تابان.
- ژان ون دث و الینور اسکار بروگ، ۱۳۷۸، «چیستی ارزش»، ترجمه اصغر افتخاری، *قبسات*، ش ۱۳، ص ۱۱۰-۱۲۵.
- سبحانی، حسن، ۱۳۶۹، *نگرشی بر تئوری ارزش*، تهران، امیرکبیر.
- سپهری، محمدرضا، ۱۳۸۵، *توسعه انسانی*، تهران، مؤسسه کار و تامین اجتماعی.
- شیرازی، صدرالدین، ۱۳۸۳، *شرح اصول کافی*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صانعی، پرویز، ۱۳۷۲، *جامعه‌شناسی ارزش‌ها*، تهران، گنج دانش.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع‌البحرین*، تصحیح حسینی اشکوری و احمد مرتضوی، چ سوم، تهران، مرتضوی.
- طیب، سیدعبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، تهران، اسلام.
- عمید، حسن، ۱۳۴۳، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، ابن‌سینا.
- عیسوی، محمود، ۱۳۷۹، *مقایسه مبانی نظری و اهداف توسعه اقتصادی در اسلام و غرب*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، چ دوم، قم، هجرت.
- فرهنگ منوچهر، ۱۳۷۹، *فرهنگ علوم اقتصادی*، چ هشتم، تهران، پیکان.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تحقیق حسین اعلمی، چ دوم، تهران، صدر.

- فیومی، احمدبن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، ج دوم، قم، موسسه دار الهجرة.
- قلعجی، محمد، ۱۴۰۸ق، *معجم لغة الفقهاء دارالفنایس*، بیروت، دارالفنایس.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *کافی*، تصحیح غفاری علی اکبر و محمد آخوندی، ج چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- گریفین، کیت و تری مک کنلی، ۱۳۷۷، *توسعه انسانی: دیدگاه و راهبرد*، ترجمه غلامرضا خواجه پور، تهران، مداد.
- مایکل، تودارو، ۱۳۷۰، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، برنامه و بودجه.
- محدثی، جواد، ۱۳۸۱، *پیامهای عاشورا*، پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه، تحسین.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، ج دوم، بیروت، دار احیاء التراث.
- مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۸۴، *اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب*، ج سوم، قم، انصاریان.
- مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ق، *مصباح الشریعة*، منسوب به امام صادق(ع).
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۸، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- _____، ۱۳۷۶، *دروس فلسفه اخلاق*، انتشارات اطلاعات، چ ششم، تهران، اطلاعات.
- _____، ۱۳۸۹، *آموزش عقائد*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- _____، ۱۳۷۵، *توحید در نظام عقیدتی و نظام ارزشی اسلام*، قم، شفق.
- _____، ۱۳۸۰، *معارف قرآن*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معین، محمد، ۱۳۶۰، *فرهنگ فارسی معین*، چ چهارم، تهران، سپهر.
- نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البیت(ع).
- نیک گهر، عبدالحسین، ۱۳۶۹، *فرهنگ علوم اقتصادی، بازرگانی و مالی*، تهران، صفار.
- همایون، ف. اُتیتی، سعیده، ۱۳۸۲، «شاخص توسعه انسانی اخلاقی کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی»، ترجمه ناصر جهانیان، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۰، ص ۱۲۵ - ۱۴۰.

United Nations Development Progm, 1990, Human development report, p. 10, Box1.1.